

بررسی دیدگاه‌های توین‌بی در مورد اسلام و تمدن اسلامی

سید محمد جمال موسوی^۱

چکیده

توین‌بی، صاحب نظر فلسفه نظری تاریخ، با نگاهی کلان، مقوله‌ی تکوین، رشد و افول تمدن‌ها را بررسی کرده است. وی در آثار متعدد خود به طور پراکنده و با توجه به موضوع، نسبت به تمدن اسلامی هم اظهارنظرهایی کرده است. وی این تمدن را به عنوان یک مورد مطالعاتی در کنار دیگر تمدن‌های بزرگ تاریخ به گونه‌ای تطبیقی مورد بررسی قرار داده است. آگاهی از دیدگاه وی نسبت به اسلام و تمدن اسلامی، از آن‌رو که تصور اندیشمندی غربی از اسلام را می‌نماید، حائز اهمیت است. در این نوشتار تلاش شده تا تصویری از گفته‌ها و نظرات توین‌بی که در آثار مختلف وی در باب اسلام و تمدن اسلامی آمده، فراهم آید. در این راستا، سه نکته در مورد اسلام از نگاه وی مورد بررسی قرار گرفته است. نگاه وی به اسلام، شخص پیامبر ﷺ و امکان تطبیق الگوی تمدنی وی در مورد تکوین تمدن اسلامی.

واژگان کلیدی

توین‌بی، تمدن اسلامی، تمدن غرب، اسلام و مسیحیت

^۱. دانش‌پژوه دکترای تاریخ تمدن اسلامی جامعه المصطفی العالمیه jamal.meshkat@yahoo.com

مقدمه

آرنولد جوزف توین بی^۱ (۱۸۸۹)، سرشناس‌ترین نماینده‌ی آنچه که فلسفه‌ی تاریخ نامیده می‌شود به شمار می‌رود که کوشیده به کشف قوانین حاکم بر تاریخ، تکوین و تکامل تمدن‌ها بپردازد و این کار را در متن نوعی بررسی تطبیقی جوامع مختلف انجام دهد. (ادوارد، ۳۱۳) تحصیلاتش را در رشته‌ی تاریخ یونان و روم در دانشگاه آکسفورد به انجام رساند و همان‌جا به تدریس پرداخت. با آغاز جنگ جهانی اول به خدمت دولت درآمد و در کنفرانس صلح پاریس از اعضای هیئت نمایندگی بریتانیا بود. پس از جنگ در ۱۹۱۹ میلادی به استادی کرسی نوینیاد زبان، ادبیات و تاریخ بیزانس و یونان در دانشگاه لندن منصوب شد. در این زمان این فکر غلبه داشت که تدریس ملی‌گرایانه‌ی تاریخ، آتش کین و عناد را دامن می‌زند و مطالعه‌ی تاریخ بایستی به شیوه‌ای بین‌المللی و خالی از غرض انجام گیرد. بدین منظور در ۱۹۲۶ کرسی تازه‌ای در دانشگاه لندن به وجود آمد و توین بی استادی و مسوولیت آن را عهده دار شد. در این مقام در فاصله‌ی دو جنگ جهانی نشریه‌ی سالانه‌ی «بررسی امور بین‌المللی»^۲ را با کمک همسرش منتشر کرد که یکی از مراجع با اهمیت وقت بود. (آرنولد، مورخ و تاریخ، ص ۵)

توین بی به‌خاطر تحصیلات و مطالعاتش در فرهنگ و تاریخ یونان و زبان و ادبیات لاتین و تجاری که در ضمن کارهای دولتی و سفرهایش به کشورهای مختلف به‌دست آورده بود آثار متعددی را تألیف کرده است. اما اثر اصلی وی «بررسی تاریخ تمدن»^۳ در دوازده جلد است که واکنش‌های مختلفی را در بین مردم و محافل آکادمیک به وجود آورد. بررسی تاریخ در واقع تاریخ جهان از آغاز تمدن بشر تا زمان معاصر است که در آن به چگونگی ظهور، تکوین، رشد و انحطاط تمدن‌ها پرداخته و در آن نظریه‌ی خاص خود را در این باب ارائه کرده است. وی در این کتاب بیست و یک تمدن (آرنولد، مورخ و تاریخ، ۳۳) را شماره و بررسی کرده که هفت مورد آنها هنوز پابرجاست.

هدف عمده‌ی توین بی، بررسی کلی و فراگیر رویدادها و گسترش دامنه‌ی دانش تاریخ بود. او برخلاف رسم معمول، ملت‌ها را پایه و اساس کار خود قرار نداد، بلکه واحد مطالعات تاریخی خود

^۱ Arnold joseph Toynbee.

^۲ Surveys of International Affair.

^۳ A study of history.

را، تمدن‌ها قرار داد و به سراغ آنها رفت. از نظر وی، مطالعه‌ی تاریخ به معنای وقوع یک سری حوادث در یک جغرافیای مشخص و محدود نیست، بلکه هدف از مطالعه‌ی تاریخ، مطالعه‌ی انسان‌ها، جوامع و نیروهای فکری و ذهنی است که موفق به خلق تمدن و پیشرفت آن شده‌اند. دید و نگاه وی مشابهتی با دیگر نظریه پردازان حوزه‌ی فلسفه‌ی تاریخ ندارد. وی تاریخ را مجزا از جریان تمدن و تمدن را جدا از رویدادهای تاریخی نه می‌دید و نه بررسی می‌کرد و بر خلاف برخی از صاحب نظران، مدعی انهدام هیچ تمدنی نبود و نیروی محرکه‌ی تاریخ را هم نه نیروهای اقتصادی که نیروهای معنوی می‌دانست. (آرنولد، جنگ و تمدن، ۹) روش کار وی استقرایی است و با وجودی که موارد مطالعه‌ی وی کم و ناکافی می‌نماید، اما وی مدعی است که میزان قابل ملاحظه‌ای از شباهت میان سرگذشت‌های جوامعی که او به مطالعه و بررسی آن‌ها پرداخته به چشم می‌خورد، مراحل معینی از نوعی الگویی از رشد، اضمحلال و فروپاشی. (همان، ۳۱۶)

۱ - توبین بی و تمدن اسلامی

توبین‌بی از سرشناس‌ترین فیلسوفان نظری تاریخ و صاحب نظران در این حوزه در دوره‌ی معاصر می‌باشد. وی به چگونگی تکوین، رشد و انحطاط تمدن‌هایی که در طول تاریخ به وجود آمده‌اند پرداخته است و این کار را در متن نوعی بررسی تطبیقی جوامع مختلف تاریخی انجام داده است، و از اطلاعات وسیع و پیرامونش نسبت به تاریخ قدیم و جدید در این راه بهره گرفته است. (ادوارد، ۳۱۳) آراء و دیدگاه‌های وی را در این باب در کتاب بررسی تاریخ تمدن می‌توان مشاهده کرد. وی در این بررسی تاریخی خود، در کنار دیگر تمدن‌ها به تمدن اسلامی هم پرداخته است. از آنجایی که وی صاحب نظری سخت مورد توجه در حوزه‌ی تاریخ و تمدن است، آگاهی از نگاه و نظر وی نسبت به اسلام و تمدن اسلامی هم حائز اهمیت می‌نماید. برای آگاهی از نظرات وی نسبت به اسلام، غیر از بررسی تاریخ، می‌توان به آثار و تألیفات دیگر وی از جمله مسیحیت و ادیان، آینده نامعلوم تمدن، تمدن در بوته‌ی آزمایش، مورخ و تاریخ و تحلیلی از تاریخ تمدن ترجمه یعقوب آژند مراجعه کرد. در این آثار وی به طور پراکنده و با توجه به موضوع، نسبت به اسلام اظهار نظرهایی کرده است. از این رو در این نوشتار تلاش شده تا تصویری از گفته‌ها و نظرات توبین‌بی که در آثار مختلف وی در باب اسلام و تمدن اسلامی آمده، فراهم آید و بتواند کمکی برای خوانندگان در این مورد باشد. البته ناگفته نماند پرداختن بایسته و چنانکه شاید

و باید به نگاه توین‌بی به اسلام و تمدن اسلامی، از توان این نوشتار خارج است و حوصله، غور و دقت بیشتری را می‌طلبد، اما تلاش شده تا به قدر وسع به این مهم پرداخته شود.

پیش از پرداختن به این مهم، بیان چند نکته در مورد کار توین‌بی به طور خاص و کار دیگر پژوهشگران غربی نسبت به اسلام به طور عام ضروری می‌نماید.

نکته‌ی اول در ارتباط با اظهار نظرها و داوری اندیشمندان غربی در مورد اسلام، علی‌رغم برتری روش‌های تحقیقاتی‌شان، کاستی، محدودیت منابع، تفکرات قالبی و پیش‌داوری‌های پژوهش‌ها و بررسی‌های آنان است، که در نتیجه می‌تواند به بدفهمی‌ها و تحلیل‌های ناصواب نسبت به اسلام، تمدن و آموزه‌های اسلامی منجر شود. نکته‌ی مهم دیگر در پژوهش‌های اسلامی، دسترسی پژوهشگر غربی به تمام آنچه که به نحوی منبعی برای شناخت اسلام است، می‌باشد. اسلام‌شناسی غربیان از این وجه با کاستی و فقر مواجه است، و آنان با توجه به تمام منابع اسلامی، که نمایانگر بخش غالبی از دنیای اسلام باشد، تحقیق نکرده‌اند. منبع مهمی که مغفول واقع شده، منابع شیعی است. فقر منابع شیعه‌شناسی در غرب تأثیر جدی در تصویر غربیان از اسلام داشته و دارد. تا کنون آشنایی جهان غرب با دنیای اسلام از طریق فضاهای فکری، آثار، کتاب‌ها و منابع اهل سنت و حتی منابع غیراسلامی بوده است و حال آن‌که بخش قابل توجهی از دنیای اسلام، تشیع می‌باشد که به نسبت و سهم جمعیتی خود تأثیر فراوان و در خور توجهی در تاریخ و تمدن اسلامی داشته است. این غفلت و کاستی، تأثیر جدی بر دید و پژوهش غربیان نسبت به اسلام گذاشته و می‌گذارد و نگاه و پژوهش آنان را با آسیب و ضعف جدی مواجه می‌سازد.

توین‌بی هم از این امر مستثناء نیست و با نگاهی گذرا به نوشته‌های وی می‌توان فهمید که داوری وی نسبت به اسلام و تمدن اسلامی، و فهم و برداشت او از اسلام با توجه به منابع و مأخذی است که در اختیار داشته است، و از منظر یک محقق که دل در گرو آموزه‌های مسیحیت و گرایش به تمدن غربی دارد، به بررسی سیر تاریخی تمدن بشری و تمدن‌های انسانی در گذشته و حال پرداخته است. امری که احتمال خطا یا جهت‌گیری را می‌تواند در یک پژوهش علمی افزایش دهد. اما با توجه به آن‌که نگاه توین‌بی در بررسی تاریخ، نگاهی کلان است، و وی به تاریخ بسیار بازتر و گسترده‌تر از دیگران نگرسته و خود را محدود و منحصر در جامعه، تمدن و جغرافیای خاصی نکرده است، به سختی می‌توان گفت که وی در اظهارنظرهای خویش نسبت به اسلام، به خصوص بخشی از نظرات وی که قابل نقد و تأمل است، عمدتاً غرضی چنانکه

برخی از اسلام شناسان غربی به آن متهم هستند، داشته است. علاوه‌ی بر آن که وی گاه به تمجید از تمدن اسلامی پرداخته و تمدن اسلامی را دارای قابلیت‌هایی می‌داند که می‌تواند راهکار و راه حل بسیاری از مشکلاتی که امروزه تمدن مدرن غرب با آن روبروست، باشد.

در کل می‌توان در آثار تئوریک دو نگاه کلی یا دو بعد را در ارتباط با اسلام و تمدن اسلامی به بررسی نشست. اول، آنچه که به طور مشخص در آثار وی آمده است. مانند اظهارات وی در مورد اسلام، پیامبر اسلام و تمدن اسلامی، که باید دید از منظر یک خواننده مسلمان تا چه حد پذیرفتنی است. دوم، آنچه که می‌توان با توجه به نظرات کلی وی در باب تمدن‌ها، بررسی کرد. به این معنا که باید دید این نظرات تا چه حد قابل تطبیق بر تمدن اسلامی می‌باشد. و یا به عبارتی دیگر، تا چه حد می‌توان بر پایه‌ی تئوری تمدنی تئوریک، تکوین، رشد و وضعیت فعلی تمدن اسلامی را تبیین کرد؟ در ادامه ابتدا نگاهی به تئوری تمدنی تئوریک و چگونگی تطبیق آن بر تمدن اسلامی انداخته، سپس به دیدگاه‌های وی در مورد پیامبر اسلام و تمدن اسلامی خواهیم پرداخت.

تئوری تمدنی تئوریک

تئوریک در پاسخ به این پرسش که چه چیزی موجب تولد یا پیدایی تمدنی می‌گردد، ابتدا پاسخ‌هایی مانند نظریه نژادی و نظریه محیط زیست را که می‌تواند جوابگوی این پرسش باشد مطرح کرده، سپس به نقد و بررسی آن‌ها می‌پردازد. پس از آن که ثابت می‌کند این پاسخ‌ها نمی‌توانند جوابی مناسب برای این سوال باشند، پاسخ خود و در واقع دیدگاه و رویکرد خود را در باب تکوین تمدن‌ها بیان می‌کند. از دید وی نه نژاد و نه محیط زیست هیچ‌کدام نمی‌توانند دلیلی قطعی برای تکوین تمدن باشند. عامل قاطع، روحیه‌ای است که انسان‌ها در واکنش به مبارزه طلبی‌ها و چالش‌هایی که با آن روبروست، از خود نشان می‌دهند.

رویارویی انسان‌ها با این چالش‌ها منجر به شکل‌گیری دو نوع از تمدن در تاریخ بشر شده است. تمدن‌های کهن که پاسخی به چالش‌ها و مبارزه طلبی‌های طبیعت بوده‌اند و تمدن‌های متفرع از آن، که پاسخی به چالش‌های انسانی هستند. (تئوریک، بررسی تاریخ، ۴۸، ۴۷) در این حالت دوم، اقلیت خلاق در جامعه وجود دارند که مشکلات زندگی و چالش‌های اجتماعی موجود در جامعه‌ی خویش را درک کرده و می‌توانند پاسخ‌های درست و مناسب به آن‌ها بدهند، هم‌اینان هستند که وظیفه‌ی رهبری و هدایت دیگران را بر عهده می‌گیرند. پیشرفت و ترقی تمدن هم

منوط به عملکرد این اقلیت خلاق می‌باشد. تا وقتی اینان بتوانند به سلسله‌ی چالش‌ها، پاسخ‌های مناسب و کارآمد بدهد تمدن نیز مراحل رشد و کمال را طی خواهد نمود. در باب سقوط و فروپاشی تمدن‌ها نیز ضمن رد دیدگاه‌های عمدتاً جبرگرایانه‌ی مطروحه، نظیر پیری و کهولت عالم هستی (همان، ۱۹۰)، نظریه‌های بیولوژیک (عزت الله، ۲۶) مانند نظریه اشپنگلر، ادواری بودن تاریخ (توین بی، بررسی تاریخ، ۱۹۳، ۱۹۲)، و فساد نژاد (افلاطون، ۴۵۶)، بر این باور است که عامل اصلی، از بین رفتن قوه‌ی خلاقیت، و عدم توانایی در دادن پاسخ‌های مناسب و به روز به چالش‌ها و تعارضات می‌باشد. دلیل زوال خلاقیت هم، سوء استفاده اقلیت خلاق و رهبران جامعه از مکانیسم مشق اجتماعی - آموزش‌های اجتماعی جهت دار و هدفمند - در جهت منویات شخصی‌شان می‌باشد.

تئوری تمدنی توین بی و پیدایش تمدن اسلامی

بررسی تطبیق چگونگی تکوین و پیدایش تمدن اسلامی بر الگوی تمدنی توین بی، مجال ویژه می‌خواهد و از حوصله‌ی این نوشتار خارج است. اما به چند نکته در این ارتباط مانند نقش اقلیت خلاق، پرولتاریای خارجی، تولد تمدنی نو از دل تمدن فروپاشیده و افول تمدن اشاره می‌گردد.

از دید توین بی در تکوین تمدن‌ها اقلیتی از جامعه که وی از آنان با عنوان اقلیت خلاق و نخبه یاد می‌کند، نقش تعیین کننده‌ای دارند. با توجه به این تأکید توین بی، می‌توان این پرسش را مطرح کرد که آیا در تکوین تمدن اسلامی می‌توان این نقش را به پیامبر ﷺ و برخی یاران و اصحاب نزدیکش نسبت داد. شاید از منظر یک اندیشمند غیر مسلمان بتوان پذیرفت که شخصیت پیامبر بزرگ اسلام ﷺ با توجه به محیط زندگی و شرایط اجتماعی فرهنگی زمانه‌اش یک پدیده‌ی شگرف، استثنایی و نابغه است، اما در برانگیخته شدن آن حضرت به پیامبری امری فراتر دخیل است. در محیط زندگی و جامعه‌ی شبه جزیره بی‌تردید نوابغی بوده‌اند، اما پرسش مهم این است که چرا آنان موفق به تغییر در جامعه‌ی خود و ایجاد یک جامعه‌ی نوین نشده‌اند. در پاسخ برای جلوگیری از اطاله‌ی کلام به سخنی از شهید مطهری بسنده می‌شود. نوابغ افرادی هستند که نیروی فکر و تعقل و حسابگری قوی دارند، یعنی از راه حواس خود با اشیاء تماس می‌گیرند و با نیروی حسابگر عقل خود بر روی فرآورده‌های ذهنی خود کار می‌کنند و به نتیجه می‌رسند و احیاناً خطا می‌کنند. اما پیامبران علاوه بر نیروی تعقل، «به نیروی دیگری به نام وحی

مجهزند و نوابغ از این نیرو بی‌بهره‌اند. (مطهری، وحی و نبوت، ۱۶) جان کلام شهید مطهری این است که نقش و وظیفه‌ای که پیامبر اسلام در جامعه‌اش بازی کرده، هرگز از سنخ وظایفی که یک فرد نخبه و خلاق در جامعه ایفاء می‌کند نیست.

از دید توین‌بی در پیدایش یک تمدن از دل تمدنی در حال فروپاشی، عاملی به نام پرولتاریای خارجی نقش مهمی بازی می‌کند. پرولتاریای خارجی عبارت است از مردمان سرزمین‌های همسایه و مجاور یک تمدن، که مترصد فرصتند که در جهت حذف تمدن و جامعه‌ی در حال فروپاشی اقدام کنند. جامعه‌ی پیامبر ﷺ یعنی شبه‌جزیره عربستان، در حاشیه‌ی دو تمدن بزرگ آن روزگار قرار داشت. این جامعه به اصطلاح توین‌بی پرولتاریای^۱ خارجی دو تمدن ایران و روم را شکل می‌داد. مادامی که دو تمدن ایران و روم نیرومند بودند، این پرولتاریای خارجی، تحت نفوذ معنوی و سلطه ایران و روم بود، اما زمانی که یکی از این دو تمدن، برای مثال، تمدن ساسانی دچار بحران شد و در قوس نزولی قرار گرفت جامعه‌ی جزیره‌العرب به عنوان پرولتاریای خارجی آن، که مترصد فرصت بود، خود را از تسلط و نفوذ تمدن ساسانی رها کرده و آخرین ضربه را بر پیکر بی‌رمق تمدن و جامعه‌ی در حال فروپاشی ساسانی وارد ساخت.

در دیدگاه توین‌بی روند انفجار آمیز متلاشی شدن جامعه فقط یک روی سکه است. روی دیگر آن نشانگر دست آوردی جدید می‌باشد. در بطن تلاشی و انهدام یک تمدن تولدی هم نهفته است. مشاهده و بررسی جوامع و تمدن‌های در حال فروپاشی نمایانگر این مهم است که از پس فروپاشی یک تمدن، ما شاهد تولد یک دولت جهانی، دین و نیروی اجتماعی تازه خواهیم بود. برای نمونه در تاریخ ایران پس از نزول و ضعف جامعه‌ی ایران و دولت ساسانی و ناتوانی آن در برابر حمله‌ی همسایه‌ای که حامل دین و نیروی مذهبی جدید و نیرومندی بود، یک مذهب متعال و تمدن و جامعه‌ای جدید و نو به نام تمدن ایرانی اسلامی سربرآورد که به تبع آن، تاریخ ایران در ذیل تمدن بزرگ اسلامی، شاهد شکوفایی و دوره‌ای درخشان در عرصه‌های تمدنی گردید. مقایسه‌ی وضعیت علمی و فرهنگی ایران پیش از اسلام و پس از آن و فراوانی شمار دانشمندان، نویسندگان، مدارس و مراکز علمی آموزشی و کتاب‌ها و آثار علمی و ... به روشنی گویای این مسأله هست.

گفتیم که از دید توین‌بی، رشد و پیشرفت تمدن هم منوط به عملکرد اقلیت خلاق می‌باشد. تا

^۱ Proletariats در تاریخ روم قدیم به توده عوام و پست گفته می‌شد که توین‌بی از آن به محرومان اجتماعی تعبیر می‌کند.

وقتی اینان بتوانند به سلسله‌ی چالش‌ها و مشکلات جامعه‌ی خود، پاسخ‌های مناسب و کارآمد بدهند، تمدن نیز مراحل رشد و کمال را طی خواهد نمود. تمدن اسلامی هم در دوره‌ای از تاریخ خود رشد و شکوفایی تمدنی بی نظیری را تجربه کرده است. این رشد و شکوفایی بی‌تردید محصول آموزه‌های دینی، ترغیب و تشویق قرآن، پیامبر اسلام ﷺ و پیشوایان دینی می‌باشد. اما در مقام عملیاتی شدن این آموزه‌ها، علماء و دانشمندان، حکام و شاهان، هنرمندان و بسیاری از رعایای فرهیخته به عنوان نخبگان و اقلیت خلاق جامعه‌ی اسلامی نقش غیرقابل تردید داشته‌اند. آنچه که تمدن اسلامی را به جایی رساند که غیر مسلمانان از آن با عنوان دوران طلایی تمدن اسلامی (آدام، ۳۸۸) یاد می‌کنند، برآیند و نتیجه‌ی عملکرد مجموعه‌ای از گروه‌ها به عنوان نخبگان جامعه‌ی اسلامی می‌باشد. از این رو می‌توان گفت که در رشد و اعتلای جامعه و تمدن اسلامی نخبگان جامعه هم سهمیم بوده‌اند و در واقع همینان توانسته‌اند آموزه‌های دینی و توصیه‌ها و سفارشات پیامبر اسلام و پیشوایان دینی را در این باب در مقام عمل، اجرایی کنند.

در مورد افول یا رکود تمدن، توین‌بی معتقد است که از بین رفتن قوه‌ی خلاقیت، آغاز و حرکت جامعه به سوی رکود و فروپاشی و سقوط می‌باشد. اگر در کارایی اقلیت خلاق خللی وارد شود و آن‌ها نتوانند به وظایفشان درست عمل کنند جامعه به سراشیبی سقوط می‌افتد. در مورد تمدن اسلامی، که روزگاری چهره‌ی درخشانی داشته و امروز به قول شهید مطهری در حال انحطاط و وضعیت رقت باری به سر می‌برد (مطهری، انسان و سرنوشت، ۹)، نیز می‌توان دیدگاه توین‌بی را تطبیق داد.

در مقام پاسخ به چرایی افول تمدن اسلامی، اندیشمندان بسیاری پاسخ‌های متفاوت و متعددی مانند استبداد، تحجر، عقل‌گریزی، ظلم و استبداد، دنیاگرایی و تجمل، یا حملات بیگانگان ارائه کرده‌اند. البته هر کدام از این پاسخ‌ها ناظر به بخشی از عوامل می‌باشند که بستگی به نگاه و زاویه‌ی دید افراد داشته یا دارد. اما جان کلام این است که همه‌ی این عوامل از یک عامل اصلی منشاء و سرچشمه می‌گیرد. آن هم عملکرد و رفتار گروه رهبر، نخبه و به قول توین‌بی اقلیت خلاق جامعه است که وظیفه‌ی درک چالش‌ها و بحران‌های فراروی جامعه خود و دادن پاسخ‌های مناسب به آن‌ها را دارند. نگاهی گذرا به بحران‌های که دنیای اسلام در طول تاریخ با آن مواجه شده به خوبی نشان می‌دهد که در همه‌ی این موارد این رهبران و نخبگان جامعه بوده‌اند که از وظیفه‌ی اصلی خود غافل شده یا از آن به نادرستی استفاده کرده‌اند و در نهایت جامعه‌ی اسلامی را با خطر رکود و سقوط مواجه کرده‌اند.

توین‌بی به عنصر دین در تاریخ و تکوین تمدن‌ها تاکید دارد. وی تاریخ را از خلقت تاقیامت، مشیت خداوند می‌داند. (توین‌بی، مورخ و تاریخ، ۶۲) و برخلاف اندیشمندانی چون گیون که مذهب و مسیحیت را عامل ویرانگر تمدن یونان و روم می‌داند (توین‌بی، تمدن در بوت‌ه آزمایش، ۲۱۵)، پیامبرانی چون عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بزرگترین معلمان نسل بشر دانسته (همان، ۱۴۸) و اعتقاد دارد کلیسای مسیحی که میراث امپراتوری روم را به تملک درآورد، باعث گسترش و توسعه آن گردید. اسلام نیز در تاریخ ایران و مناطقی از امپراتوری روم شرقی که به تسلط خود درآورد چنین نقشی را بازی کرد. از دید توین‌بی در پس هریک از تمدن‌های معاصر یکی از ادیان بزرگ که از برخورد میان تمدن‌ها ایجاد شده‌اند قرار دارد و دین را نیز تنها راه نجات تمدن امروزی می‌داند. (محمدرضا، نشریه گزارش گفت و گو، شماره ۱)

پیامبر اسلام از دید توین‌بی

توین‌بی در بررسی تاریخ و برخی دیگر آثار خود اشاراتی به اسلام و زندگی حضرت محمد صلی الله علیه و آله دارد. وی سیری تاریخی از حیات پیامبر و دین اسلام و شکل‌گیری امپراتوری اسلامی را بیان می‌کند، که گاه در برخی موارد به تفسیر و تحلیل‌هایی هم دست می‌زند. وی بیان می‌کند که اسلام، مسیحیت و یهودیت را به عنوان آئینی آسمانی تأیید می‌کند، اما وضعیت کنونی‌شان را انحراف از آموزه‌ها و تعالیم اولیه این ادیان می‌داند، در عین حال توین‌بی اسلام را میراث دار یهودیت و مسیحیت می‌داند.

توین‌بی در بررسی تاریخ خود به مفاهیم اساسی در تاریخ همانند هجرت و بازگشت اشاره می‌کند و می‌گوید: مردانی که تاریخ بشریت را ساخته‌اند همگی بدون استثناء دارای یک وجه مشترکند؛ اینان زندگیشان به دو دوره‌ی متضاد تقسیم می‌شود. اول، دوره‌ی انزال و دورشدن از جامعه، و دوم، دوره‌ی بازگشت به جامعه.

اینان در دوره‌ی انزال که افراد عادی جامعه هستند، آنان در این دوره به مرحله‌ی تکوین می‌رسند و تربیت می‌شوند، زمینه‌ی رشد فکری و روحی‌شان فراهم می‌گردد و هنگامی که بر می‌گردند، انسانی جدید و حامل رسالت جدیدی هستند. در زندگی همه‌ی شخصیت‌های بزرگ و مؤثر از پیامبران گرفته تا دیگر مصلحان، این حالت مشترک وجود دارد. در میان مثال‌های متعددی که وی در باب هجرت و بازگشت می‌آورد به پیامبر اسلام، شخصیتی که به قول توین‌بی مضمون هجرت و بازگشت در زندگی او قویا مشهود است اشاره می‌کند. نخستین هجرت پیامبر

دوره‌ای از انزواگزینی پیش از بعثت است که در پی بازگشت از آن، رسالت خالص مذهبی خویش را می‌آغازد. (توین‌بی، گزیده آثار، ۸۷) دومین هجرت، هجرت از زادگاه خویش به یثرب شهر رقیب است که در بازگشت از آن به مکه نه به عنوان یک تبعیدی که یک سرور و سالار نه تنها به مکه بلکه نیمی از عربستان نمود پیدا می‌کند. (همان)

توین‌بی معتقد است تمدن را افراد می‌سازند و اضافه می‌کند همه‌ی افراد نمی‌توانند تاریخ و تمدن بسازند، سازنده‌ی واقعی تمدن و تاریخ «شخصیت خلاق» است. او این برگزیدگان را «آبرانسان»، «تابغه»، «آبرمرد» و «انسان ممتاز» افراد خلاق می‌نامد. مردان بزرگ به صورت عارف، قدسی، پیامبر، شاعر، زمام دار، سپهسالار، مورخ، فیلسوف و اندیشمند سیاسی ظاهر می‌شوند. این مردان بزرگ تمدن‌ها را می‌آفرینند و پیشرفتشان را تسریع می‌کنند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که پیامبر اسلام به عنوان بنیانگذار تمدن اسلامی، فردی خلاق در جامعه‌ی خود است که توانسته با درک درست از مشکلات جامعه‌ی خود پاسخی مناسب، در خور و کارآمد به آن داده و بتواند پایه‌های تمدنی جهانی را پی ریزد.

وی حضرت محمد ﷺ را همراه با دیگر پیامبران اولوالعزم در ردیف بودا، زرتشت، پطرس، پولس، شانکارا، ماکیاولی، پتر کبیر، ناپلئون، کانت و... را یاد می‌کند. (توین‌بی، آینده نامعلوم تمدن، ۱۰۳) ملاک و معیار او در این همسانی، توجه به دو خصیصه‌ی ویژه‌ی این شخصیت‌هاست، «گوشه گزینی» و «بازگشت»، که در تاریخچه‌ی زندگی اینان دیده می‌شود که با گوشه‌گیری و غرقه شدن در جذبه‌ی عرفانی، اندیشه‌هایشان را می‌پروراند و دوباره به جهان باز می‌گردند. شاید به خاطر پیشینه‌ی قداست زدایی از پیامبران در منابع گذشته یهودی و نصرانی، می‌باشد که اندیشمندان غربی پیامبران را در ردیف دیگر شخصیت‌های غیر الهی می‌آورند ولی از دیدگاه کلامی یک مومن مسلمان این دیدگاه پذیرفته نیست، چرا که فلسفه بعثت انبیاء الهی بی‌تردید با انگیزه مصلحان بزرگ جامعه جهانی متفاوت و ناشی از دو منشاء متفاوت می‌باشد، هرچند در عمل، عملکرد هردو، در جهت اصلاح و بهبود جامعه‌ی بشری می‌باشد، و این دید توین‌بی به انبیاء الهی به خاطر عدم آگاهی از دین، نبوت، عصمت و فلسفه بعثت انبیا از جانب خداوند متعال می‌باشد.

توین‌بی بی‌توجه به شخصیت الهی حضرت محمد ﷺ، شکوفایی دین و تمدن اسلامی را نتیجه‌ی نبوغ خدایی حضرت می‌داند. (توین‌بی، تاریخ تمدن، ۴۳۸) که با توجه به وضعیت جامعه خویش، به عنوان پرولتاریای تمدن‌های ایران و روم و با استفاده از نارضایتی‌ها و انحطاط این دو

امپراتوری، پایه‌های تمدنی جدید با صبغه یک دین الهی را پی‌ریزی کرده است. حال این که این نگاه با دید یک انسان مسلمان نسبت به شخصیت و مقام روحانی و معنوی پیامبران الهی ناسازگار است و شخصیت پیامبر اسلام سخنی یا عملی انجام نمی‌دهد مگر آنکه وحی الهی باشد. (نجم، آیات، ۴۳) حتی مونتگمری وات^۲ شرق‌شناس انگلیسی که نگاهی مثبت به پیامبر اسلام دارد، هم بر این باور است که درست است که نارضایتی‌های اجتماعی و انحطاط امپراتوری‌های ایران و روم موجب توسعه‌ی اسلام گردید اما نشر و گسترش این آیین بدون صفات و فضیلت‌های رسول اکرم امکان پذیر نبود، (مونتگمری، ۲۹۴-۲۹۶)، بدون آن که به شخصیت الهی حضرت اشاره کند. ضمن اینکه نبوغ چیزی نیست که در چهل سالگی یک دفعه آشکار شود، بلکه در همان کودکی قابل کشف و در نوجوانی و جوانی آشکارا نمایان است؛ حال آن که چنین آثاری تا سن چهل سالگی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گزارش نشده است.

توین‌بی به آشنایی پیامبر با تمدن روم شرقی در کسوت تاجر قریشی هم اشاره می‌کند (توین‌بی، تاریخ تمدن، ۴۳۸) آشنایی که به شناخت پیامبر در مورد یکی از تمدن‌های مطرح آن روزگار تحت سیطره دیانت مسیح کمک زیادی کرده و برای حضرت آموزنده بوده است (آرنولد، گزیده آثار، ۸۷) سفرهای تجاری که برخی مستشرقان آن را الهام دهنده حضرت در اعلام نبوت در مکه می‌دانند (گلدزیهر، ۷). البته جای سؤال است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این سفر تجاری چقدر فرصت داشت تا بخواهد با مباحث دینی و الهیاتی مسیحیت و یهودیت آشنا شود؟

توین‌بی ضمن آن که به سیاست مدارا و تساهل حضرت با پیروان دیگر ادیان به نیکی می‌نگرد و از آن تمجید می‌کند - سیاستی که به قول وی غرب و دنیای مسیحی فاقد آن در تعامل با پیروان دیگر ادیان هستند (توین‌بی، تاریخ تمدن، ۴۹) - اما وی این روحیه تساهل و تسامح پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مسلمانان را هم توجیه می‌کند. او این روحیه را نوعی پیامد روانی حاصل از رویارویی میان تمدن‌ها می‌داند. به نظر وی وقتی دو یا چند تمدن با یکدیگر رویارو می‌شوند، تمدنی که زورمندتر است به دلیل آن که طبیعت انسان گرایش به منفعت طلبی دارد، نسبت به دیگر تمدن‌ها حالت تهاجمی می‌گیرد و خود را برتر حس می‌کند. اما برای گرواندن افراد تمدن مغلوب نیز تلاش می‌کند. یکی از نموده‌های این تلاش، سیاست تساهل و تسامح است. (توین‌بی، بررسی تاریخ، ۵۴۵) مسلمانان از همان ابتدا این سیاست را که ناشی از سیره

^۲ William mountgomery watt (۱۹۰۹-۲۰۰۶) استاد زبان عربی و مطالعات اسلامی در دانشگاه ادینبورو اسکاتلند.

پیامبر اسلام و آموزه‌های قرآن است، (توین‌بی، گزیده آثار، ۲۳۴) در برخورد با پیروان دیگر ادیان تحت عنوان اهل کتاب، در پیش گرفتند.

هم چنین توین‌بی نگاهی نادرست به مسأله جانشینی امام علی پس از پیامبر دارد، (همان، ۴۵۰) که برگرفته از منابع اهل سنت و عدم دسترسی وی به منابع شیعی می‌باشد، که به نوعی ضعف تحقیقات وی را می‌رساند. باید توجه کرد که توین‌بی رویدادها و پدیده‌های تاریخی را با معیارهای مادی توضیح داده و تفسیر می‌کند و به جنبه و ژرفای معنوی آنها کمتر توجه دارد، از این رو دور از ذهن نخواهد بود که حوادث تاریخ اسلام، شخصیت پیامبر اسلام هم از این رویکرد وی دور نباشد.

توین بی و تمدن اسلامی

از ۲۶ تمدنی که توین‌بی در کتاب خود برشمرده، (بهاءالدین، ۶۰) شانزده مورد آن از بین رفته و از ده تمدن باقی‌مانده فقط تمدن غربی از دید وی وضعیت یک تمدن زنده و پویا را دارد، وبقیه تمدن‌های موجود، مانند اسلام، هندوئیسم و بودیسم به مرحله سقوط رسیده‌اند. (همان، ۴۷) البته وی خود محکوم بودن تمدنی به فروپاشی را مادام که نیروی خلاقیت را داراست، باور ندارد.

دیدگاه توین‌بی در مورد تمدن اسلامی را به طور مشخص و یک‌جا نمی‌توان جایی یافت، بلکه باید در میان آثار و نوشته‌های وی باید این نگاه و نظر او را جستجو کرد. وی در بررسی تاریخ خود به گونه‌ای پراکنده و در جای جای آن مناسب با موضوع به اسلام هم پرداخته است. هم چنین در بررسی تاریخ وی و کتاب آینده نامعلوم تمدن هم می‌توان نظرات وی را ملموس‌تر در مورد تمدن اسلامی مشاهده کرد، و کما بیش در دیگر آثار وی. از این رو در ادامه تلاش می‌شود به گونه‌ای مختصر به برخی از نظریات و دیدگاه‌های وی در این مورد اشاره شود.

نکته‌ی اول که با نگاهی گذرا و مطالعه‌ی اجمالی آثاری از او که نام برده شد، به دست می‌آید این است که وی به تمدن غربی و خاستگاه آن، یعنی تمدن هلنی به عنوان تمدن مادر و اصلی که تمدن‌های دیگر نظیر اسلام از آن الهام و وام گرفته‌اند، می‌نگرد و بر همین اساس به بررسی تمدن‌هایی که به ویژه پس از تمدن‌هایی یونان روم شکل گرفته‌اند پرداخته است. در این باب به موارد ذیل توجه کنید:

برای مثال وی در بررسی تاریخ خود معتقد به ریشه داشتن اسلام در اندیشه هلنوسریانی است، و این که اسلام نمی‌تواند منکر این گذشته‌ی خود شود. (توین‌بی، بررسی تاریخ، ۵۳۱) وی

برای مقایسه شکل معمول گونه‌ی تمدن‌ها الگویی در نظر می‌گیرد که مدل هلنوسریانی است که سرچشمه تمدن غربی امروزی می‌باشد. وی به ریشه داشتن تمدن اسلامی و مسیحیت شرقی در تمدن هلنوسریانی اعتقاد دارد. (همان، ۸۷ و ۵۳۰)

این سخن تئوریک بی تا حد زیادی می‌تواند درست باشد چرا که اسلام و مسیحیت گذشته از اشتراک سرزمینی و منشاء ابراهیمی مشترکات فرهنگی بسیاری داشته‌اند، مانند نفوذ منطق ارسطویی و بسط علوم عقلی یونانیان در هردو تمدن. اما اگر این سخن به معنای این باشد که اسلام تنها وامدار صرف تمدن هلنوسریانی و بالتبع تمدن غربی است، نادرست می‌نماید. چرا که در آغاز تمدن اسلامی بسیاری از آثار فلسفی و علمی یونانیان وارد جهان اسلام شد، ولی پس از پالایش و بازتولید باردیگر به جهان مسیحیت راه یافتند و همین اندیشه‌های وارداتی از تمدن اسلامی یکی از عوامل زمینه ساز رنسانس در تمدن غربی گشتند.

وی در جایی دیگر می‌گوید نباید از یاد برد که در تکوین اسلام فصل پیشینی وجود دارد. اسلام و گهواره سیاسی آن یعنی خلافت هر دو واکنش سریانی در عرصه مذهب و سیاست برای مقابله با دست اندازی‌های هلنیسم به شمار می‌رود (همان، ۵۲۹ و ۵۳۰). این می‌رساند که تئوریک بی در مورد بستر و نشو و نماي اسلام در تمدن سریانی که آن هم به نوعی وامدار و فرعی از تمدن هلنیسم است، تأکید بسیار دارد. این نظر وی ممکن به این دلیل باشد که حجاز و و قوم یهود از نظر سیاسی و اجتماعی بخشی از تمدن سریانی بوده‌اند ولی چون تئوریک بی حوزه‌ی بررسی تاریخی را بسیار وسیع‌تر از حوزه‌ی جغرافیایی می‌گیرد، لذا همیشه به کل تمدنی توجه دارد که ادیان در چارچوب آن ظاهر شده‌اند. مفهوم دیگر سخن تئوریک بی این است که حکومت اسلامی و خلافت نوعی واکنش اجتماعی و دنیایی به دولت‌های مقتدر آن روزگار بوده است.

وی معتقد است که اسلام نیز همانند مسیحیت در مناطقی مانند سوریه، بین النهرین و مصر به بلوغ رسید که حدود هزار سال تحت نفوذ فرهنگ یونانی قرار داشته‌است. اسلام هم مانند مسیحیت با فلسفه‌ی یونان از در آشتی درآمد و اعتقادات خود را با اصطلاحات فلسفه‌ی یونان بیان کرد. (تئوریک بی، مسیحیت و ادیان، ۱۴)

تئوریک بی تمدن اسلامی را محصول ترکیب دو جامعه‌ی متمایز عرب و ایرانی می‌داند (بهاءالدین، ۳۷) و به آن صبغه‌ی ایرانی عربی می‌دهد. اما به نظر درست‌تر می‌آید که گفته شود تمدن اسلامی، تمدنی است که بنیانگذاران آن فقط عرب‌ها یا ایرانیان نبودند. بلکه آفرینندگان این تمدن اقوام، نژادها، و ملیت‌های مختلف بودند که وجه مشترک همه‌ی آن‌ها،

اعتقادات و اندیشه‌های اسلامی بوده است. حتی می‌توان گفت که به گونه‌ای محدود اقوام و فرهنگ‌های دیگری نظیر یهودیان و مسیحیان هم در آن مشارکت داشته‌اند. به قول مرحوم عبدالحسین زرین‌کوب، تمدن اسلامی میراث مشترک مردم و ملت‌هایی است که روزگاری اسلام در سرزمین آن‌ها نفوذ کرد و در ساخت و شکوفایی تمدن اسلامی ایفای نقش کردند. از این رو تمدن اسلامی نه به نژاد خاصی تعلق دارد و نه تمدنی ملی است. (عبدالحسین، ۳۱) انتساب تمدن اسلامی به عرب یا ایرانی و نادیده گرفتن اصالت اسلامی آن در آثار دیگر پژوهشگران غربی نظیر لویی ماسینیون^۲ هم مشاهده می‌گردد که به نوعی نادیده گرفتن جنبه‌ی الهی و قدسی تمدن اسلامی است. (محمدرضا، ۱۳۸)

توین‌بی البته تفسیر و برداشت‌های نادرستی هم از اسلام دارد. مثلاً بر این باور است که بر اثر ضربات وارده از غرب، اعماق اسلام به جوشش افتاد و نهضت‌های روحی در آن شکل گرفته که ممکن است نطفه‌ی ادیان جدید برتر را تشکیل دهد، مانند نهضت‌های بهایی و احمدیه که امروزه مبلغان خود را به اروپا و آمریکا ارسال کرده و خاطر بسیاری از غربیان را به خود معطوف کرده‌اند. (توین‌بی، تمدن دربوته آزمایش، ۱۹۳) پریشی که به ذهن خطور می‌کند این است که چگونه توین‌بی به تأثیر بهائیت و احمدیه اشاره می‌کند ولی به حضور و نفوذ روز افزون مسلمانان و افزایش جمعیت بومی مسلمان در جهان غرب اشاره‌ای ندارد. هم چنین وی فرقه‌ی بهایی را بخشی از شیعه اثنی‌عشری به حساب می‌آورد که نادرست است. (بهاء‌الدین، ۱۸۹)

وی یهودیت را الهام بخش اسلام می‌داند که همانند مسیحیت، مشارکت خود را از دیانت یهود می‌برد تا بتواند مردم را به حقایق و احکامی رهنمون سازد که دین یهود آن‌ها را کشف کرده، ولی نتوانسته به گونه‌ی موثری نشر کند. (توین‌بی، بررسی تاریخ، ۴۳۰) حال آن که از دید قرآن کریم همه ادیان الهی منشاء ابراهیمی داشته و خود حضرت ابراهیم نه یهودی، نه نصاری، بلکه موحد بوده است. (آل عمر، ۶۷)

هم چنین توین‌بی معتقد است که انتقال مسیحیت و اسلام به صورت ادیان تمام بشریت نه به

۲. ن.ک به مقاله "ارزش فرهنگی آثار اندیشمندان ایرانی قرون وسطی در شکوفایی تمدن عرب" نوشته لویی ماسینیون، ترجمه محمد حسن رضوانیان، مجله هنر و مردم، ۱۳۵۷، شماره های ۱۸۹ - ۱۹۰. و سخنرانی لویی ماسینیون با عنوان "نقش نبوغ ایرانی در تقریر و بیان افکار و تشکیل لغات فنی عرب مربوط به تمدن اسلامی"، تحریر و ترجمه عبدالحمید گلشن ابراهیمی، نامه فرهنگستان (قدیمی)، فروردین ۱۳۲۶، شماره ۱.

دست حضرت عیسی علیه السلام و نه حضرت محمد صلی الله علیه و آله بلکه به دست پیروان‌شان صورت گرفته است. چرا که افق تبلیغی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و عیسی علیه السلام محدود به ملت خودشان بوده است. این سخن نیز به نظر صواب نمی‌آید. خطاب قرآن همه، یا ایها المومنون و یا ایها الناس است و حتی یک بار هم یا ایها العرب ندارد. پیامبر هم در خطابات خود هیچگاه، ناس و ملتی خاص را در نظر نداشته است. هرچند که بعدها در تاریخ اسلام سلسله‌های حکومتی پیدا شدند که از سیره و مشی سیاسی پیامبر منحرف شدند و به تقویت و برتری گروه قومی خاص همت گماشتند. اما توین‌بی، اسلام را در کنار مسیحیت، دینی با رویکرد جهانی می‌داند که هدف آن‌ها گرواندن تمام بشریت به خویش است، ولی استمرار ادیان دیگر نشانگر آن است که به این هدف خویش توفیق نیافته‌اند. هرچند که بخش قابل توجهی از ساکنان قاره‌های مختلف را به خود جذب کرده‌اند.

رویارویی تمدن اسلامی و غرب

توین‌بی معتقد است که چهار دین در دنیای امروز با ماموریت جهانی وجود دارد. مسیحیت، اسلام، هندوئیسم و بودیسم. همه‌ی این ادیان از لحاظ تاریخی محصول برخورد میان تمدن یونان روم و تمدن‌های معاصر هستند، که مسیحیت پاسخی ملایم و اسلامی پاسخی شدید به آن می‌باشد. (توین‌بی، تمدن دربوته آزمایش، ۲۰۷) این سخن توین‌بی البته همان اعتقاد وی به اصل بودن تمدن هلنیسم و برتری آن نسبت به دیگر تمدن‌هاست و این که این تمدن منشاء دوتمدن مهم این روزگار - اسلام و غرب می‌باشد.

اسلام و جهان غرب هم در سیر تاریخی خود چندین بار رویاروی هم قرار گرفته‌اند و به تبع آن هریک بر دیگری تأثیراتی داشته‌اند. (توین‌بی، بررسی تاریخ، ۱۵۶) اولین برخورد در آغاز دین اسلام منجر به تسلط این دین بر تقریباً نیمی از قلمرو تمدن غربی در شرق و غرب قاره‌ی اروپا شد. پس از آن، زمانی که جهان غرب توانست خود را از خطر نابودی برهاند پیشرفت جهان غرب همراه با عقب‌نشینی دنیای اسلام آغاز شد. تمدن اسلامی از دو سوی بادشمن، غربی‌ها از یک طرف و مهاجمان بیابانگرد آسیای مرکزی از سوی دیگر مواجه شد. دگر بار جهان اسلام در کسوت ترکان عثمانی دنیای غرب را مورد تهاجم قرار داد، اما جهان غرب با یک عقب‌نشینی ناآگاهانه ولی موثر و مفید توانست هم پیشروی ترکان را متوقف کند و هم نیروی عظمی از جهان اسلام را صرف این ناحیه نماید، تا دنیای غرب فرصت یافت که توجه خود را به دریاها

معطوف کند و با تسلط بر آن، بر جهان تسلط یابد و حتی جهان اسلام را درخانه خود به دام اندازد. (توین بی، آینده نامعلوم تمدن‌ها، ۲۲۰-۲۲۴)

توین بی در بررسی سیر تاریخی برخورد تمدن اسلامی با جهان مسیحیت، به رویارویی امروز تمدن اسلامی با تمدن غربی اشاره می‌کند و آن را مهمتر و سرنوشت سازتر می‌شمارد. هم به خاطر برتری اقتصادی و هم برتری نظامی تمدن غربی. مهمتر از همه، معتقد است که دنیای غرب در مسائل معنوی و فرهنگی هم برتری آشکاری نسبت به جهان اسلام دارد. به این معنی که جهان غرب هنوز از نیروی معنوی قدرت خلاقیت برخوردار است. عاملی که نیروی درونی و محرک یک جامعه می‌باشد که ثمرات آن به صورت تمدن ظاهر می‌گردد. (همان، ۲۲۴)

از دید توین بی تمدن اسلامی فاقد برتری‌های نظامی، صنعتی و معنوی و فرهنگی می‌باشد. تمدن‌هایی از این دست در مقابله و رویارویی با تمدنی بزرگتر و غالب - تمدن غرب - ناگزیر از دو واکنش محافظه کاری^۴ یا پیش رو و تغییرپذیر^۵ می‌باشند. در واکنش محافظه کاری، در برخورد با رقیب قویتر، به دنیای مألوف و شناخته شده خود پناه می‌برد، و به فنون و ابزارهای قدیمی متوسل و سعی در بکارگیری دقیق روش‌های سنتی خود می‌نماید. مثال‌های واضح آن در جهان اسلام جریان‌های سلفی‌گری وهابیت و حرکت‌های سنوسی^۶ و مهدی سودانی^۷ می‌باشد، که البته نه‌ایستی جز نابودی و تلاشی ندارند. (توین بی، آینده نامعلوم تمدن، ۲۲۵)

در حالت پیشرو یا تغییرپذیر، فرد برای حفظ خود در برابر خطر ناشناخته تلاش می‌کند با ماهیت آن آشنا شود. از این رو روش کهنه و سنتی خود را کنار گذاشته به آموختن و بکارگیری

^۴ Zealots

^۵ Herodinas

^۶ سنوسیبه، یکی از فرقه‌های صوفی در شمال آفریقا بود که سختگیری در زندگی را با رزمندگی در هدفهای سیاسی را همراه کرده بود. خانقاه‌های بسیاری در شمال آفریقا به ویژه لیبی داشت. علی رغخ سرکوب این فرقه توسط ایتالیای موسولینی، رهبر آن پس از جنگ دوم به پادشاهی رسید و تا زمان معمر قذافی در قدرت بود.

^۷ محمد احمد بن عبدالله ملقب به مهدی سودانی از رهبران بزرگ ضد استعمار سودان در قرن سیزدهم هجری / نوزدهم میلادی. وی مردم را به اسلام اولیه و احیای آن، توحید، و مبارزه علیه حکام ترک مصر، اروپاییان و قدرتمندان محلی و برقراری مساوات، وحدت اسلامی و حکومت اسلامی بر مبنای قرآن و سنت دعوت می‌کرد.

روش‌های رقیب می‌پردازد. کسانی چون محمد علی پاشا^۸ در مصر و سلطان سلیم سوم^۹ در عثمانی را می‌توان نمونه‌هایی این واکنش یاد کرد. از دید توبین‌بی واکنش تغییرپذیری هم، خطرناک است. چرا که آینده‌ی آن نامعلوم می‌باشد. از همه مهمتر این که این راهکار چون بر اساس تقلید بنا شده، فاقد خلاقیت و ابداع می‌باشد و جامعه مقلد به جای آن که بتواند روح و مغز افراد خود را با افکار الهام بخش و قدرت خلاقه درونی تقویت نماید، فقط به ازدیاد و افزایش تولیدات صنعتی توجه دارد. ضمن آن که چنین جامعه‌ی مقلدی خوشبختی مادی و ظاهری را برای قلبی از افراد خود می‌تواند تامین کند و طبقات گسترده‌ای از افراد جامعه از رفاه و برخورداری مادی محروم می‌مانند. از دید توبین‌بی وضعیت ترکیه و مصر نمونه‌های خوبی از این دست واکنش می‌باشند. (توبین‌بی، آینده نامعلوم تمدن، ۲۲۵-۲۳۹)

در داوری کلی توبین‌بی، هردو واکنش جهان اسلام نهایتاً در برابر غرب سودی نخواهد داشت. واکنش محافظه کاری بر فرض رها کردن خویش از معرکه، چیزی بیش از فسیل یک تمدن قدیمی که قدرت حیات خود را از دست داده نخواهد بود. و واکنش تغییرپذیری هم تقلیدی بیش نخواهد بود و سرانجام در مدنیت غربی مستحیل خواهد گشت. نکته‌ای که با توجه به روش مطالعه و رویکرد توبین‌بی در بررسی جوامع باعث تعجب می‌گردد، عدم اشاره وی به واکنش و راهکار سوم است که در جهان اسلام نسبت به تمدن غربی اتخاذ شده است. جریان اصلاح‌گری دینی که رویکردی واقع‌گرا و بدون تعصب در برخورد با غرب در پیش گرفته است، و کسانی چون سید جمال، عبده، اقبال، امام خمینی و شریعتی منادی آن بوده‌اند. به این معنی که جنبه‌های منفی تمدن غربی را رد و جنبه‌های مثبت آن را اخذ و با آموزه‌های تمدن اسلامی وفق داد. روش و راهکاری که خود توبین‌بی هم در معارضه‌ی ادیان به جهان مسیحیت تجویز می‌کند که برای ماندگاری، مسیحیت باید جنبه‌های مثبت دیگر ادیان را اخذ و روحیه انحصار طلبی را از خود بزدايد. (توبین‌بی، مسیحیت و ادیان، ۹)

دلیل دیگری که وی برای ناکارآمدی نهایی محافظه کاری و تغییر پذیری ذکر می‌کند، این

^۸. محمد علی پاشا (۱۷۶۹۱-۱۸۴۹) والی مصر. وی را بانی مصر نوین می خوانند و این هم به دلیل اصلاحاتی است که وی در ارتش و اقتصاد و فضای فرهنگی این کشور انجام داد.

^۹. سلطان سلیم سوم فرزند مصطفی سوم که پس از وفات عمویش «عبدالحمید اول» در سال ۱۷۸۹ م سلطنت را به دست گرفت. موج جدید مدرنیزاسیون به مفهوم اروپائی کردن روابط و استفاده از دست‌آوردهای آنان، در امپراتوری عثمانی از زمان وی شروع شد.

است که متجددین و محافظه کاران در جهان اسلام اقدامات یکدیگر را خنثی کرده و از به ثمر نشستن کوشش‌های یکدیگر جلوگیری می‌کنند. (توین‌بی، آینده نامعلوم تمدن، ۲۴۰)

توین‌بی البته معتقد است که هم جریان محافظه کار و متعصب و هم جریان تغییرپذیر یا متجدد، اقلیت‌هایی در جامعه‌ی اسلامی‌اند، اکثریت جامعه‌ی اسلامی نه در غرب مستحیل خواهند گشت و نه به صورت فسیلی در خواهند آمد بلکه جزیی از تمدن کلی جهانی و متحدالشکل فردا را تشکیل خواهند داد. (همان، ۲۴۳) البته در تصویر این تمدن جهانی و متحدالشکل، قالب تمدنی، قالب تمدنی غرب مسیحی را خواهد داشت و برشالوده‌ی آن پی‌ریخته خواهد شد.

از دید توین‌بی نفوذ و تسلط جدید جهان غرب بر دنیای اسلام کمی بیش از یک قرن و نیم است که شروع شده و با توجه به مدت زمانی که برای رشد و نمو نهضت‌های بزرگ دینی لازم است، تجلی کامل نهضت روحانی اسلام در برابر دنیای غرب چند قرن دیگر به طول خواهد انجامید. (همان، ۲۴۷) از قرن شانزدهم میلادی به بعد تمدن اسلامی نتوانسته است نواغ بزرگی را در دامان خود بپرورد و یا خدمت ارزنده‌ای به جهان بشریت انجام دهد. (بهاء‌الدین، ۶۵)

اما با وجود آن که توین‌بی اظهار می‌دارد که تمدن اسلامی افول کرده، ولی به خاطر وجود چند ویژگی در اسلام، این دین می‌تواند در تمدن جهانی آینده تأثیر مطوبی داشته باشد و تأسیس اجتماع کامل بشری را نزدیکتر سازد. (توین‌بی، آینده نامعلوم تمدن‌ها، ۲۴۸) آموزه‌های اسلام در مبارزه با الکل و تعصب نژادی، دو عاملی که در تمدن غربی ریشه دوانده، و آن را با خطر نابودی روبرو کرده، می‌تواند در ایجاد مساوات نژادی و جلوگیری از اعتیاد به مشروبات الکلی کمک بزرگی برای جامعه‌ی جهانی باشد.

نتیجه

گفیم توین‌بی، صاحب نظری نام آشنا در حوزه‌ی فلسفه نظری تاریخ است که تاریخ و تمدن بشری را با نگاهی کلان نگریسته و مقوله‌ی تکوین، رشد و افول تمدن‌ها را به بررسی گرفته است. وی در این بررسی تاریخی خود، در کنار دیگر تمدن‌ها به تمدن اسلامی هم پرداخته است و در آثار متعدد خود به طور پراکنده و با توجه به موضوع نسبت به اسلام اظهارنظرهایی کرده است. دو نگاه کلی را در ارتباط با اسلام می‌توان در آثار وی جست. اول، آنچه که به طور مستقیم و مشخص، مانند اظهارات وی در مورد اسلام، پیامبر اسلام و تمدن اسلامی در آثار وی آمده است. دوم، آنچه که می‌توان با توجه به نظرات کلی وی در باب تمدن‌ها، بررسی کرد. به این

معنا که تا چه حد می‌توان بر پایه‌ی تئوری تمدنی توین‌بی، تکوین، رشد و وضعیت فعلی تمدن اسلامی را تبیین کرد؟

وی پدیده‌ها و رویدادهای تاریخی را با معیارهای مادی توضیح می‌دهد، از این رو نقطه نظرات وی در مورد دیگر ادیان از جمله اسلام، برداشتی تاریخی و دنیوی است و جنبه دینی و ربانی ندارد. چگونگی آگاهی وی از اسلام، کیفیت و کمیت منابع مورد استفاده‌ی او در مورد اسلام را نیز باید در داوری او نسبت به اسلام و پیامبر در نظر گرفت. اسلام شناسان غربی با وجود برتری روش‌های تحقیقاتی‌شان، کاستی‌هایی نیز دارند که مهم‌ترین آن، محدودیت منابع و دسترسی ناقص‌شان به همه منابع اسلامی از جمله منابع شیعی می‌باشد که، نگاه و پژوهش آنان را با آسیب و ضعف جدی مواجه می‌سازد. توین‌بی هرچند، گاه به تمجید از تمدن اسلامی پرداخته و آن را دارای قابلیت‌هایی – مانند دارا بودن تعالیمی در ایجاد مساوات و مبارزه با الکل – می‌داند که می‌تواند راهکار و راه حل بسیاری از مشکلاتی که امروزه تمدن مدرن با آن روبروست، باشد. اما تفسیر و برداشت‌های نادرستی هم از اسلام، پیامبر و به تبع، تمدن اسلامی هم دارد. وی اسلام را ملهم از یهودیت و دارای ریشه‌های مشترکی با مسیحیت می‌داند که هردو ریشه در تمدن هلنیک دارند. معتقد است که اسلام نیز مانند مسیحیت با فلسفه‌ی یونان از در آشتی درآمد و اعتقادات خود را با فلسفه‌ی یونان بیان کرده است. وی تمدن اسلامی را محصول دو جامعه‌ی عرب و ایرانی می‌داند بدون آنکه به نقش دیگر مسلمانان و حتی غیرمسلمانان جامعه‌ی اسلامی اشاره بکند. در مورد پیامبر با توجه به رویکرد تمدنی اش، پیامبر را مردی خلاق در بنیانگذاری تمدن اسلامی بر می‌شمرد که از نبوغ خدایی خود هم در این راه استفاده کرده است. او از پیامبر اسلام ﷺ را در ردیف مصلحان غیر الهی نظیر بودا، گاندی و . . . یاد می‌کند، که ناشی از عدم آگاهی وی از فلسفه‌ی دین، نبوت، عصمت و فلسفه بعثت انبیا از جانب خداوند متعال باشد.

توین‌بی دو مفهوم، هجرت و بازگشت را در زندگی حضرت محمد ﷺ در ایجاد جامعه‌ی اسلامی موثر و مهم می‌داند. دو مفهومی که در زندگی کسانی دیگری مثل بودا و ماکیاولی هم شاهد هستیم. وی سفرهای تجاری پیامبر را برای آشنایی با یکی از تمدن‌های مهم آن روزگار آموزنده ارزیابی می‌کند. از سیاست تساهل و مدارای حضرت با مخالفان و اهل کتاب به نیکی یاد می‌کند ولی آن را تاکتیکی می‌داند که پیامبر و پس از ایشان مسلمانان، برای جذب مخالفان خویش اتخاذ کرده‌اند، بدون آن که به مبانی دینی و الهی آن اشاره بکند.

وی معتقد است که اسلام به صورت دینی برای تمام بشریت نه به دست حضرت محمد ﷺ،

بلکه به دست پیروانش گسترش یافته است و این را به دلیل محدودیت افق تبلیغی پیامبر می‌داند. حال آن‌که خطاب قرآن و پیامبر از همان ابتدای رسالت، همه یا ایها المومنون و یا ایها الناس است و حتی یک بار هم یا ایها العرب در کلام حضرت نیامده است. توین بی اما، امروزه اسلام را در کنار مسیحیت، دینی با رویکرد جهانی می‌داند که هدف آنها گرواندن تمام بشریت به خویش است.

توین بی معتقد است که اسلام و جهان غرب هم در سیر تاریخی خود، چندین بار رویاروی هم قرار گرفته‌اند و به تبع آن هریک بر دیگری تأثیراتی داشته‌اند، اما در نهایت برنده ی این برخوردها غرب مسیحی را می‌داند. او به رویارویی امروز تمدن اسلامی و غرب اشاره و آن را مهمتر و سرنوشت سازتر می‌شمرد، که البته باز معتقد است که تمدن غرب به دلیل برتری اقتصادی، نظامی و قدرت خلاقیت، تمدن برتر و غالب است. جهان اسلام در برابر قدرت برتر و تهاجمی تمدن غرب ناچار از دو واکنش محافظه کارانه - جریان های سلفی گری - و تقلید - جریانهای غربگرا و متجدد - بوده است، که به نظر توین هر دو واکنش سودی برای دنیای اسلام نخواهد داشت. محافظه کاری، شکلی از فسیل یک تمدن قدیمی را در پی خواهد داشت و واکنش تقلید، نهایتش استحاله‌ی در تمدن غربی خواهد بود. وی البته اشاره ای به راهکار سوم در جهان اسلام - رویکرد تعاملی اصلاحی نه طرد و نه پذیرش مطلق - نمی‌کند. او معتقد است که تمدن اسلامی در نهایت بخشی از تمدن کلی جهانی و متحدالشکل فردا را شکل می‌دهد. تمدن جهانی متحدالشکلی که برشالوده‌ی تمدن غربی پی ریخته خواهد شد.

به دلیل فقدان عرضه ی خدمت قابل توجه به جامعه بشری به ویژه از قرن شانزده به بعد، از دید توین بی تمدن اسلامی افول کرده، اما به خاطر وجود چند ویژگی، اسلام، می‌تواند در تمدن جهانی آینده تأثیر مطوبی داشته باشد و تأسیس اجتماع کامل بشری را نزدیکتر سازد.

و نکته‌ی آخر این که، قطع نظر از وسعت و دامنه‌ی تحقیقات توین بی در حوزه‌ی بررسی تاریخی تمدن‌ها، این نکته را نباید فراموش کرد که وی اندیشمندی محصول تمدن غرب و آموزه‌های مسیحیت است که از همین زاویه‌ی ذهنی و فرهنگی به مقولات و پدیده‌ها پرداخته است، نگاه وی به اسلام و تمدن اسلامی را هم نباید مستثناء از این امر دانست.

منابع

- ادواردز پل، فلسفه تاریخ (مجموعه مقالات از دایرة المعارف فلسفه) ترجمه بهزاد سالکی، پژوهشگاه علوم انسانی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۵.
- افلاطون، کتاب جمهور، ترجمه ی فوآد روحانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۴۸.
- پازارگاد، بهاءالدین، فلسفه نوین تاریخ، ص ۳۰، چاپ اول، انتشارات نیلوفر، ۲۵۳۶ شاهنشاهی.
- توین بی، آینده نامعلوم تمدنها، ترجمه فرهنگ جهانپور، نشر دانشگاه اصفهان، ۲۵۲۵ شاهنشاهی.
- توین بی، گزیده آثار، فردریک تاملین، ترجمه محمد حسین آریا، نشر امیرکبیر، تهران ۱۳۸۵.
- توین بی آرنولد، مورخ و تاریخ، ترجمه حسن کامشاد، نشر خوارزمی، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۷.
- توین بی آرنولد، جنگ و تمدن، ترجمه خسرو رضایی، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۳.
- توین بی، بررسی تاریخ تمدن، ترجمه محمد حسین آریا، نشر امیرکبیر، تهران.
- توین بی، تاریخ تمدن، تحلیلی از تاریخ جهان، ترجمه یعقوب آژند، نشر مولی، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۶.
- توین بی، تاریخ تمدن، ترجمه یعقوب آژند، نشر مولی، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۶.
- توین بی، تمدن در بوته آزمایش، ترجمه ابوطالب صارمی، نشر امیرکبیر، چاپ اول، تهران ۱۳۵۳.
- توین بی، مسیحیت و ادیان، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان، قم ۱۳۸۲.
- حکیمی محمد رضا، حماسه غدیر، نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۹۶ ق.
- ۱۳۵ رادمش عزت الله، مکتب های تاریخی و تجددگرایی تاریخ، انتشارات پیک ستاره دانش، چاپ دوم تابستان ۱۳۸۱.
- زرین کوب عبدالحسین، کارنامه اسلام، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶.
- قلی زاده محمد رضا، مقاله ی مقام دین در گفت و گوی تمدنها، نشریه ی گزارش گفت و گو، شماره، شهریور ۱۳۸۱.
- گلدزیهر، درس هایی در باره اسلام، ترجمه دکتر علینقی منزوی، تهران، انتشارات کمانگیر، ۱۳۵۷.

- متز آدام، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، نشر امیرکبیر، چ سوم، تهران ۱۳۸۸.
- مطهری مرتضی، انسان و سرنوشت، انتشارات طباطبائی، قم، بی تا.
- مطهری مرتضی، وحی و نبوت، انتشارات صدرا، مهر ۱۳۸۷.
- وات موتنگمری، محمد پیامبر و سیاستمدار، ترجمه: اسماعیل والی زاده، ناشر اسلامیه، چاپ اول ۱۳۴۴.
- مقاله "ارزش فرهنگی آثار دانشمندان ایرانی قرون وسطی در شکوفایی تمدن عرب"، ترجمه محمدحسن رضوانیان، نشریه هنر و مردم، ۱۳۵۷، شماره ۱۸۹-۱۹۰.
- مقاله "نبوغ ایرانی در تقریر و بیان افکار و تشکیل لغات فنی عرب مربوط به تمدن اسلامی"، ترجمه عبدالحمیدگلشن ابراهیمی، نامه فرهنگستان (قدیمی)، فروردین ۱۳۲۶، شماره ۱.